



راهکار روحانی در کنفرانس اقتصاد ایران:

سیاست به اقتصاد یارانه بدهد!

کاسبان واقعی تحریم

مهدی محمدی

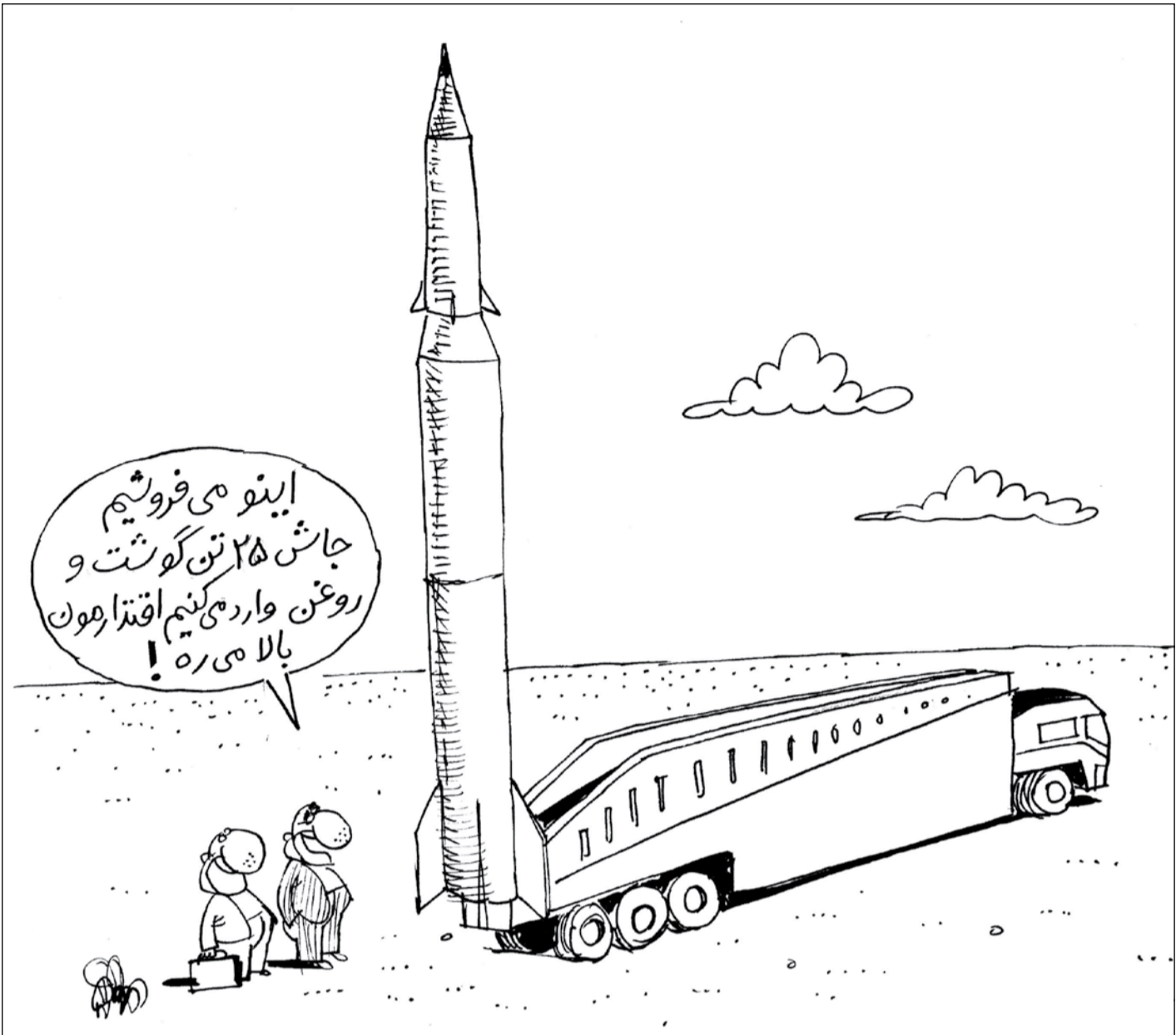


نگاهی ولو از سر اجمال به گفتمان اقتصاد سیاسی دولت و جریان‌های نزدیک به آن در ۲ سال گذشته، آشکارا به ما می‌گوید این گفتمان «تحریم‌پایه» بوده است. در واقع دولت - و به دنبال آن جریان اصلاح‌طلب - تقریباً تمام مبارزات سیاسی و پروژه‌های رسانه‌ای خود را بر پایه مفهوم تحریم بنا کرده است و هنوز هم، هر زمان که کار به رویارویی با رقبای می‌رسد، نخستین مفهومی که به میان بحث می‌دوانند مفهوم تحریم است. به یک معنا اگر کسی در جست‌وجوی دال مرکزی گفتمان اعتدال باشد، تحریم مناسب‌ترین مفهومی است که به آن خواهد رسید. این مفهوم، تاکنون به مثابه کلیدی عمل کرده است که دولت تصور می‌کند با آن می‌توان هر در بستن‌های را گشود یا اگر نشد، تخریب کرد. بقیه مفاهیم اصلی هم که دولت در حوزه عمومی از آن تغذیه می‌کند، به یک معنا خروجی‌های این اصطلاح است. به عنوان نمونه تلاش برای یکسره فسادآلود نشان دادن کارنامه دولت‌های نهم و دهم بر دروغ‌گویی سیستماتیک درباره نحوه مدیریت تحریم در این دو دولت استوار شده است. حتی وقتی کار به مواجهه با برخی نهادهای انقلابی می‌رسد دولت ابایی ندارد با بی‌انصافی تمام به گونه‌ای سخن بگوید که گویی این نهادها سر و سری با کسب و کار ناشی از دور زدن تحریم دارند. منتقدان دولت کاسبان تحریم خوانده می‌شوند. گفته می‌شود هدف مذاکرات هسته‌ای هم در اصل لغو تحریم‌هاست نه حفظ فناوری هسته‌ای، چرا که اکنون که رئیس‌جمهور دیرروز گفت «آرمان‌های ما به ساتنریفیوژها متصل نشده است». مفاهیم بنیادینی مانند اقتصاد مقاومتی و استقلال هم به تحریم گره زده شده است. به ما می‌گویند اقتصاد ما زمانی مقاومتی است یا زمانی واقعا مستقل هستیم که تحریم نباشیم. رئیس‌جمهور دیرروز حتی به ما آموخت معنی جدید واژه اثرها هم تحریم شدن به سبب مقاومت در موضوع هسته‌ای است. و آخر از همه، مفاهیم روزمره اقتصادی مانند رشد، تورم و توسعه هم به عنوان خروجی‌های وضعیتی در نظر گرفته می‌شود که تحریم‌ها بر پیچیده شده باشد. ملاحظه می‌کنید که در نظام فکری و ادبیات سیاسی دولت، واژه تحریم و مشتقات آن جایگاهی بسیار ویژه دارد. دولت حسن روحانی نه فقط می‌خواهد از طریق مقدم داشتن لغو تحریم بر حفظ هر نوع سرمایه‌های استراتژیکی مانند برنامه غنی‌سازی و مانند آن، مذاکرات خود با کشورهای غربی را به سرانجام برساند بلکه تصور می‌کند اینجا نقطه‌ای است که می‌تواند حرفان سیاسی خود را هم گیر بیندازد، دچار تنگنا نکند و هر مبارزه سیاسی یا رسانه‌ای را از آنها ببرد.

پیش‌فرض همه این بحث‌ها هم این است که جریان انقلابی و رویکرد و روش‌های آن در مذاکرات هسته‌ای و اساساً نوع نگاه آن به مفاهیمی مانند استقلال، آرمان‌های انقلابی، قدرت ملی و ارتباط با جهان خارج است که کشور را در گرداب تحریم‌ها فرو برده است. برنامه سیاسی آقای روحانی آشکارا این است که با مقصرسازی تفکر انقلابی و مقاومتی در موضوع اعمال تحریم‌ها، اولاً آنها را مقابل افکار عمومی قرار بدهد و همان‌جا نگه دارد و ثانیاً با گره زدن راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور به مفهوم «خروج از اثرها» و «لغو تحریم» نتیجه بگیرد مخالفت با امتیازدهی در موضوع هسته‌ای به معنای مخالفت با بهبود معیشت مردم است.

سخنان مکرر آقای رئیس‌جمهور در این زمینه هیچ تردیدی بجا نگذاشته که قصد دارند این راه را تا انتها پیش ببرند چرا که هم زمین زیر پای خود را محکم می‌بینند و هم آینده مسیر را تضمین شده. سوال این است که آیا واقعا این بازی همانقدر ثمربخش است که دولتی‌ها تصور می‌کنند؟

راقم این سطور هفته گذشته در پژوهشی بلند به طور اساسی استدلال کرد علت اصلی اعمال تحریم‌ها به ظاهر فلج‌کننده علیه ایران از خرداد ۸۹ به بعد نه سیاست‌های هسته‌ای ایران بلکه تلاش غرب برای پاسخ دادن به تقاضای جریان فتنه، احیای این جریان، قدرتمند کردن آن و به هم ریختن محیط داخلی ایران با هدف ایجاد زمین بازی وسیع‌تر برای آن بوده است. آن نوشته استدلال می‌کند که پس از آشکار شدن قابلیت‌های فتنه، هدف‌گذاری‌های خلع سلاحی تحریم‌ها تا حدود زیادی تعدیل شد و هدف‌های مرتبط با دستکاری در محیط سیاست داخلی و افکار عمومی ایران، در صورتبندی تحریم‌ها جای آن را گرفت. تا امروز هیچ‌کس، نه درون دولت و نه از میان خیل حامیان فتنه علاقه - و البته توان - پاسخ دادن به آن نوشته و ارائه یک صورتبندی نظری و کدیک رقیب را نداشته است. اگر نتیجه‌گیری آن پژوهش درست باشد - که یقیناً هست - کل نظام گفتمانی تحریم‌پایه بر باد خواهد رفت.



یازدهم سیاست به اقتصاد کارتون: مایک پینز، وطن امروز

حرف‌هایی شبیه هم

محمدحامد دانا، یی‌فر

که مگر ما در توافق ژنو آرمان‌ها را بردیم و معامله کردیم؟ گفت: «اینکه ما در برابر برداشته شدن بخشی از تحریم‌ها مقداری شفافیت بیشتری نشان کردیم و بگویم فلان نوع غنی‌سازی را که فعلاً نیازی به آن نداریم یک مدتی تعطیل کنیم یعنی آرمان ما رفت؟ آرمان ما به این چیزها بستگی دارد؟ آرمان ما به ساتنریفیوژ وصل نیست. آرمان ما به مغز ما وصل است.»

به راحتی می‌توان فهمید اظهارات بیان شده شبیه کدام یک از گزاره‌های ارائه‌شده در ابتدای این مطلب است. پس از میزگرد جنجالی دانشگاه تهران اولین سوال جدی مطرح شده نگرانی از نفوذ این تفکر به تیم مذاکره‌کننده بود؛ موضوعی که اظهارات اینگونه بر شبیه درست بودن این نگرانی می‌افزاید.

درست در زمانی که یک خبرگزاری رسمی خارجی خبر از توافق پنهان ایران و غرب بر روی یکی از بخش‌های توافق جامع می‌دهد، آمریکا با تحریم ۵ شرکت و فرد ایرانی سعی دارد پیام‌های هشدارآمیزی را به ایران بفرستد، تریبون‌های داخلی حامی دولت از یک توافق بزرگ خبر می‌دهند و چهره‌های اصلاح‌طلب نظیر شیرزاد از «بی‌فایده» و «مضر» بودن انرژی هسته‌ای برای کشورمان حرف می‌زنند، بیان چنین اظهاراتی از سوی رئیس‌جمهور قطعاً می‌تواند تفسیرهای متفاوتی داشته باشد.

نکته قابل سوال این است که منظور رئیس‌جمهور از «فلان نوع غنی‌سازی» دقیقاً کدام نوع غنی‌سازی است؟ آیا منظور همان غنی‌سازی ۲۰ درصد است که در توافق ژنو تعلق و اورانیوم‌های آن به اکتسید تبدیل شد یا بحث بر سر نوع‌های دیگری از غنی‌سازی است؟!

بخش بعدی سخنان رئیس‌جمهور سوال‌برانگیزتر است: «مگر آرمان ما به ساتنریفیوژ وصل است.» قطعاً نمی‌توان ادعا کرد ربط دادن این جمله آقای روحانی به جمله شیرزاد مبنی بر «چه فرقی می‌کند که ما یک ساتنریفیوژ داشته باشیم یا ۱۰ هزار عدد؟» ساخته و پرداخته ذهن بیمار منتقدان است. بدون شک اگر نشده روز گذشته سالان اجلاس میزبان همایش اقتصاد ایران بود که میهمانی ویژه داشت. حسن روحانی در سخنرانی طولانی‌اش در این همایش از موضوعات اقتصادی به مساله مذاکرات هسته‌ای رسید. روحانی موضوع پای میز مذاکره را منافع دو طرف عنوان و تأکید کرد: «مگر کسی در میز مذاکره مانند شیرزادها و زیباکلام‌ها دارند که دستاوردهای هسته‌ای کشورمان را ارزش و آرمان دانند.

۱- خبرگزاری آسوشیتدپرس چند روز پیش خبری را درباره توافق ایران و غرب برای انتقال اورانیوم به یک کشور دیگر منتشر کرد؛ خبری که به سرعت از سوی مقامات وزارت امور خارجه کشورمان تکذیب شد.

۲- آمریکا نام ۵ شرکت و فرد ایرانی را به لیست تحریم‌های خود اضافه می‌کند. مقامات ایرانی از جمله محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت در برابر آن واکنش نشان داده و تأکید می‌کنند این اقدام دولت آمریکا به هیچ وجه قابل پذیرش نیست.

۳- روزنامه‌های اصلاح‌طلب طی ۲ روز گذشته به صورت جدی تأکید دارند توافق هسته‌ای نزدیک است و به احتمال زیاد به‌زودی شاهد نهایی شدن متن توافق بزرگ خواهیم بود.

۴- دو هفته پیش در دانشگاه تهران میزگردی با عنوان «برپا یک توافق» برای نقد و بررسی ۱۰ سال مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای عضو ۵+۱ برگزار شد و احمد شیرزاد، نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم، صادق زیباکلام استاد دانشگاه تهران و داوود هرمیداس پابند به عنوان کارشناس در آن حضور پیدا کردند که در اینجا تنها به چند جمله شاخص برگرفته از میزگرد مذکور بسنده می‌کنیم. «از جاه هسته‌ای آبی برای ملت ما در نمی‌آید»، «برخی مساله هسته‌ای را ناموسی کرده‌اند، روی ناموس هم نمی‌شود مذاکره کرد»، «چه فرقی می‌کند که ما یک ساتنریفیوژ داشته باشیم یا ۱۰ هزار عدد؟»، «وقتی یک چیزی ارزش شد، جایگاه ایندولوزی پیدا می‌کند و در این صورت دیگر مهم نیست چه چیزی به خیر و صلاح ملت است»، «خیلی از اصولگرایان فرق بین نیروگاه آب سنگین و سبک و اورانیوم ۲۰ درصد را نمی‌دانند»، «ضرر انرژی هسته‌ای برای کشور ما از جنگ ۸ ساله بیشتر بود».

اینها تنها بخش‌هایی از اظهارات مطرح شده در آن همایش جنجالی بود که سعی داشت ارزش دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای کشورمان را کاهش دهد. اما گزاره‌های ابتدایی این یادداشت هنوز تمام نشده؛ روز گذشته سالان اجلاس میزبان همایش اقتصاد ایران بود که میهمانی ویژه داشت. حسن روحانی در سخنرانی طولانی‌اش در این همایش از موضوعات اقتصادی به مساله مذاکرات هسته‌ای رسید. روحانی موضوع پای میز مذاکره را منافع دو طرف عنوان و تأکید کرد: «مگر کسی در میز مذاکره مانند شیرزادها و زیباکلام‌ها دارند که دستاوردهای هسته‌ای کشورمان را ارزش و آرمان دانند.

این پس محدودیت خواهد داشت. شرایط اقتصادی آمریکا را در تدوین این راهبرد در نظر گرفتند. در شرایط فعلی، اگرچه نفت شیل آمریکا از صرفه‌افزاده اما اقتصاد آمریکا با توجه به کاهش شدید قیمت سوخت، نفع می‌برد؛ بنابراین، واشنگتن هرگز انگیزه‌ای برای فشار بر ریاض نخواهد داشت. تیم دیپلماسی ایران اگر می‌خواست تا این حد کشور آزادی به‌نام نفت را در اختیار دارد و نیات خود را در منطقه با دخالت‌هایش در سوریه و عراق و تقویت انواع و اقسام گروه‌های تکفیری به‌خوبی نشان داده است، فراموشی این حریف از یک سو و حتی اعلام - شگفت‌انگیز - تمایل به بهبود روابط با آن از سوی دیگر، از جمله خط‌هایی است که باید برشمرد.

خط کوچکی نیست اگر فراموش شود مشکل اصلی سعودی با ایران، مشکلی هویتی و دیرینه است که از نگاه سعودی به دو مقوله شیعه - سنی و عرب - عجم حادث شده است. دیدگاه‌های فرقه‌ای حاکم بر ریاض که در تعارض مطلق با دیدگاه‌های وحدت‌محور تهران خود را تعریف یافت نمی‌شود.

از قضا سر کنگبین صفرا فزودا

علی بخشایش

می‌کنند، هرگز بر نمی‌تابد ایران با این همه قابلیت مدنی، ژئوپلیتیک و هویتی، از عنصر محدودکننده‌ی به‌نام «سناقه هسته‌ای» خلاصی یابد و با قدرت بیشتر به اهداف خود در منطقه دست یازد. تفاوت دشمنی‌های ژالیستی با دشمنی‌های هویتی امری است که نباید از قلم انداخت. خصومت‌های ژالیستی با تغییر در شرایط و نظم بین‌المللی و منطقه‌ای تعدیل یا تشدید می‌شود اما خصومت‌های هویتی - گفتمانی تا زمان وجود هویت یا گفتمان، پابرجاند. خصومت آل‌سعود با ایران از جنس دوم است. در مذاکرات هسته‌ای، دستگاه دیپلماسی ایران چنان با آمریکایی‌ها وارد تعامل شده که این امر در حال و آینده نمی‌تواند دیگر رقبا را بی‌تفاوت بگذارد. نه تنها روس‌ها و در آینده چینی‌ها نمی‌توانند نسبت به چنین امری بی‌اعتنا باشند؛ که سعودی‌ها هم نمی‌توانند. در این میان، سعودی فرصت را غنیمت شمرده و با استفاده از ابزار قدرتی به‌نام نفت، کاری با ایران کرد که تمام توافقاتش با ایالات متحده را به زیر هیچ پدل کرد، دست‌کم از بعد مالی - اقتصادی!

سعودی‌ها که وزیر خارجه‌شان را در آخرین دور مذاکرات ایران و ۵+۱ پیش از تمدید به وین گسیل داشتند، با افزایش سرسام‌آور حجم تولید، کار را با هم انجام دادند.

۱- از یک سو، تهدیدی به نام «فت شیل آمریکا» را خنثی کردند که برای به صرفه بودن، به قیمت حدود ۷۰ دلاری نفت نیازمند است.

۲- از سوی دیگر، درآمدهای نفتی ایران را بیدت کاهش دادند تا کشور ظرف ۸ ماه، ۸ میلیارد دلار ضرر کند.

۳- روس‌ها را هم تحت فشار گذاشتند؛ چراکه بخش زیادی از درآمدهای ملی روسیه نیز نفتی است. به این ترتیب مسکو هم در حمایت از دولت اسد در دمشق از این پس محدودیت خواهد داشت. بازنگران طراح سعودی به خوبی شرایط اقتصادی آمریکا را در تدوین این راهبرد در نظر گرفتند. در شرایط فعلی، اگرچه نفت شیل آمریکا از صرفه‌افزاده اما اقتصاد آمریکا با توجه به کاهش شدید قیمت سوخت، نفع می‌برد؛ بنابراین، واشنگتن هرگز انگیزه‌ای برای فشار بر ریاض نخواهد داشت. تیم دیپلماسی ایران اگر می‌خواست تا این حد کشور آزادی به‌نام نفت را در اختیار دارد و نیات خود را در منطقه با دخالت‌هایش در سوریه و عراق و تقویت انواع و اقسام گروه‌های تکفیری به‌خوبی نشان داده است، فراموشی این حریف از یک سو و حتی اعلام - شگفت‌انگیز - تمایل به بهبود روابط با آن از سوی دیگر، از جمله خط‌هایی است که باید برشمرد.

خط کوچکی نیست اگر فراموش شود مشکل اصلی سعودی با ایران، مشکلی هویتی و دیرینه است که از نگاه سعودی به دو مقوله شیعه - سنی و عرب - عجم حادث شده است. دیدگاه‌های فرقه‌ای حاکم بر ریاض که در تعارض مطلق با دیدگاه‌های وحدت‌محور تهران خود را تعریف یافت نمی‌شود.

نگاه روابط بین بازیگران عرصه بین‌المللی بیچیدگی‌های فراوانی دارد. بسیاری تلاش کرده‌اند با ارائه نظریه‌های مختلف رفتار بازیگران بین‌المللی و چگونگی تعامل آنها با یکدیگر را توضیح دهند اما هنوز هیچ نظریه‌ای در میان نیست که بتواند رفتار بازیگران را در همه شرایط و مواضع شرح دهد. چنین است که روابط بین‌الملل بیش از آنکه علم باشد، هنر است، چه بسیار هنرمندان زبردست سیاستمدار که در مدیریت منافع کشور خود در عرصه بین‌الملل، از روشنفکران کرور کرور کتاب خوانده بهتر عمل می‌کنند. باقی ماندن در انتزاعات نظری در هنگامه مدیریت واقعیات بین‌المللی و منطقه‌ای، سمی کشنده و زهری مهلک است. شاید در کرسی درس دانشگاه، یکسره رد کردن ژالیسم منجر به سوخت و کف دانشجویان شود اما در عرصه سیاست بین‌الملل نفی اهداف و انگاره‌های ژالیستی همان‌قدر اشتباه است که تمکین بی‌چون و چرا از نظریات ژالیستی و ضداخلاقی.

سیاست‌گذاران سیاست خارجی در عرصه قدرت‌محور و نه حقوق‌محور بین‌المللی، باید متغیرهای متعدد را مورد بازیابی و کنکاش قرار دهند و از میان راه‌های بدست آمده، کم‌هزینه‌ترین اهداف را برای نیل به منافع ملی (اعم از منافع مادی و منافع ایدئولوژیک) انتخاب کنند. این مذاقه اگر صورت نگیرد، هر اقدامی که برای بهبود اوضاع انجام می‌شود، می‌تواند خود به بدتر شدن اوضاع منجر شود.

بویژه کسانی که خود را در این عرصه اهل علم می‌دانند و بگناه دیگران را به ندانستن و کمی معلومات متهم می‌کنند، لازم است در مواجهات بین‌المللی شناخت مناسبی از حریف داشته باشند. این شناخت دست‌کم باید دو مقوله را دربرگیرد: «نیات حریف» و «بازارهای حریف». از دیگر هنرها در این امر خطیر آن است که تمام توجهات سوی یک حریف متمرکز نشود و حریفان متعدد در صحنه محاسبات مورد مذاقه قرار گیرند. این کاری است که به‌نظر می‌رسد در سیاست خارجی یک سال‌و نیم اخیر ایران کمتر به آن توجه شده است. فراموشی حریفی به‌نام عربستان در حین تمرکز بر ایالات متحده در مذاکرات هسته‌ای شاید یکی از مهم‌ترین اشتباهاتی است که سیاست خارجی ایران در این دوره مرتکب شده است. در حالی که این کشور ابزاری به‌نام نفت را در اختیار دارد و نیات خود را در منطقه با دخالت‌هایش در سوریه و عراق و تقویت انواع و اقسام گروه‌های تکفیری به‌خوبی نشان داده است، فراموشی این حریف از یک سو و حتی اعلام - شگفت‌انگیز - تمایل به بهبود روابط با آن از سوی دیگر، از جمله خط‌هایی است که باید برشمرد.

خط کوچکی نیست اگر فراموش شود مشکل اصلی سعودی با ایران، مشکلی هویتی و دیرینه است که از نگاه سعودی به دو مقوله شیعه - سنی و عرب - عجم حادث شده است. دیدگاه‌های فرقه‌ای حاکم بر ریاض که در تعارض مطلق با دیدگاه‌های وحدت‌محور تهران خود را تعریف یافت نمی‌شود.

جزئیات جدید خواسته خطرناک آمریکایی‌ها در مذاکرات هسته‌ای

انتقال ذخایر طرح تانیاهاو



صفحه ۲

سخنگوی دولت:

افزایش قیمت‌ها ادامه دارد

صفحه ۳

۲۰۱۵ سال سقوط آل سعود

صفحه ۱۵

خاطره‌نوشت‌های احسان محمدحسینی

آخرین جمله وصیتنامه علمدار

صفحه ۱۶

روند کاهش شاخص کل بورس ادامه دارد چراغ قرمز بازار سرمایه

گروه اقتصادی: شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در پایان معاملات دیروز با ادامه روند کاهش به ۶۸ هزار و ۶۵۰ واحد رسید. بدین ترتیب شاخص بورس به کمترین مقدار در ۱۵ ماه گذشته رسید. بورس اوراق بهادار تهران که این روزها گرفتار رکود شده و زین هم‌راهان خود را تشدید کرده است، به وعده‌های مسؤولان و انکشی نشان نداده و منتظر اقدام عملی در این حوزه است به طوری که جلسه روز شنبه کمیته ثبات بازار سرمایه نیز تأییدی در بهبود اوضاع دیروز بورس نداشت و دماستخ بازار سرمایه به دلیل روند کاهش قیمت‌ها با افت ۱۷۹ واحدی مواجه شد و به کانال ۶۸ هزار و ۶۵۰ واحد رسید. حتی سخن وزیر درباره به کف رسیدن قیمت‌های بورسی نیز تازماتت بورس را از روند منفی خود خارج کند. ارزش روز بازار با حدود هزار میلیارد تومان کاهش در یک روز به ۲۱۰ هزار میلیارد تومان رسید. تعداد معاملات انجام شده، ۲۹ هزار و ۲۲۵ فقره و ارزش معاملات دیروز ۷۳ میلیارد تومان ثبت شده است.

همچنین شاخص بخش صنعت با ۱۶۱ واحد کاهش به ۵۷ هزار و ۵۸۶ واحد رسید. شاخص ۵۰ شرکت فعال تر با ۹ واحد کاهش به ۲۷۹۳ واحد رسید. شاخص آزاد شناور با ۹۵ واحد کاهش به ۷۸ هزار و ۷۷۹ واحد کاهش یافت و شاخص ۳۰ شرکت بزرگ با ۵ واحد کاهش به ۳۰۸۶ واحد رسید. شاخص بازار اول بورس با ۱۷۱ واحد کاهش به ۵۰ هزار و ۶۶۵ واحد و شاخص بازار دوم نیز با ۹۳ واحد کاهش به ۱۳۴ هزار و ۴۰۶ واحد رسید. نمادهای فخلس، تپیکو، وغدیر، کچاد، وپارس، رمپنا بیشترین اثر منفی را در شاخص کل بورس داشته و نماد خودرو بیشترین اثر مثبت را در شاخص داشته است. همچنین نمادهای پربیننده بورسی دیروز شامل ایران‌خودرو، ایران ترانسفو، بانک ملت، صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، بانک صادرات ایران، صنایع آذرباب و سایپا دیزل بود. در بازار نقدی فرابورس ایران نیز شاخص کل با ۰/۴ درصد افزایش به ۷۷۴ واحد رسید. ارزش بازار اول و دوم فرابورس ۶۳ هزار میلیارد تومان، تعداد معاملات ۱۷ هزار و ۶۹۳ واحد و ارزش معاملات دیروز ۳۳۷ میلیارد تومان بود. نمادهای پربیننده در فرابورس شامل قاسم ایران، توسعه و عمران استان کرمان، سرمایه‌گذاری مسکن تهران، بانک گردشگری، گروه سرمایه‌گذاری میراث فرهنگی، گروه پتروشیمی ایرانیان و توکاریل بوده‌اند. همچنین نمادهای مارون، ذوب و سنگا بیشترین اثر منفی را در شاخص و نمادهای جام، وزمین، قاسم و توریل بیشترین اثر مثبت را بر شاخص فرابورس داشته‌اند. روند کاهش شاخص بورس از هفته گذشته آغاز شده و تاکنون ادامه دارد.